

معناشناسی «میثاق غلیظ» در پیمان همسری و بررسی مؤلفه‌های بنیادین وفاداری به آن

اسماعیل ملکوتی‌خواه *

چکیده

پژوهش حاضر با استناد به آیات قرآن و دیدگاه‌های واژه‌شناسان و مفسران به تحلیل معناشناختی از تعبیر قرآنی «میثاق غلیظ» پرداخته تا جایگاه والای پیمان زناشویی و ضرورت وفاداری به آن را تبیین کند، آن‌گاه دو عنصر ایمان که ریشه در حوزه‌ی درونی انسانها دارد و معاشرت به معروف که مربوط به حوزه‌ی اخلاق و رفتار آدمی است، به عنوان مؤلفه‌های بنیادین و تأثیرگذار در فرایند وفاداری به پیمان همسرکنکاش شده تا راهبردهایی برای تحقق اهداف اصل ۱۰ قانون اساسی مبنی بر پاسداری از قداست خانواده و استواری روابط خانوادگی ارائه کند و در پایان پیشنهاد کرده در قانون مدنی وفاداری به میثاق همسری در ضمن وظایف همسران تصریح شده و کاربرد واژه‌ی میثاق در پیمان ازدواج در متون آموزشی، رسانه‌های جمعی و محاورات عمومی عنایت شود.

کلید واژه

میثاق، پیمان همسری، وفاداری، ایمان، معاشرت به معروف

(۱) طرح مسئله

سازمان خانواده مهم‌ترین نهاد بنیادین جامعه‌ی بشری است که می‌تواند کارکردهای مثبت، سازنده و بی‌بدیل در ابعاد گوناگون حیات فردی و اجتماعی انسان داشته باشد و در کسب موفقیت‌ها و شکوفایی استعدادها و ارتقاء سلامت و بهداشت روانی فرد و جامعه بسیار تأثیرگذار باشد ولی این نهاد ارزشمند با تأثیرپذیری از تحولات اجتماعی دهه‌های گذشته با تغییرات، چالش‌ها، مسائل و نیازهای جدید و متنوع مواجه شده و پاره‌ای از این تحولات در سطح جهانی تزلزل کانون خانواده و ناپایداری و آشفتگی روابط و تعاملات اعضای خانواده به ویژه همسران را در پی داشته و سبب بروز پیامدهای اسفباری چون افزایش آمار طلاق و شکل‌گیری روابط نابسامان و پدیده‌ی فرزندان نامشروع را شده است.

بازگشت همه جانبه به معارف اصیل قرآن و عترت و بازتعریف نظام خانواده در اسلام در پرتو نگرش مجتهدانه به واقعیت‌های موجود و مقتضیات زمان از آیینی وحی و عقل و برنامه‌ریزی جامع و حکیمانه بر اساس آن، شرط لازم برای بازسازی وضعیت خانواده و آفت‌زدایی از این کانون استوار است.

قرآن کریم شکل‌گیری خانواده را بر اساس میثاق غلیظ بین همسران استوار کرده و در راستای همگرایی و وفاداری آنها به تعهدات و لوازم پیوند زناشویی، برای هر یک از ایشان حقوق و وظایف متقابل که ریشه در فطرت،

معناشناسی (میثاق غلیظ) در مورد پیمان همسری

باورها و روحیات‌شان دارد، مقرر داشته است. از قرآن کریم استفاده می‌شود وفاداری و تعهد به میثاق همسری فقط یک توصیه‌ی ساده‌ی اخلاقی نیست که همسران به آن ملتزم باشند بلکه برآیند پیچیده‌ای از کش‌های مختلف و متقابل همسران است که متأثر از باورها، گرایش‌ها، منش‌ها و رفتارهای آنان و تربیت خانوادگی و وضعیت فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ای است که همسران در آن زندگی می‌کنند، با توجه به آنچه گذشت، محورهای مورد کنکاش در پژوهش حاضر عبارت‌اند از:

الف. معناشناسی تعبیر قرآنی میثاق غلیظ و تحلیل مفهومی آن با استناد به کتب لغت و دیدگاه‌های مفسران جهت تبیین جایگاه والای پیمان زناشویی و ضرورت وفاداری به آن.

ب. بررسی دو عنصر ایمان و باورهای مذهبی و معاشرت به معروف به عنوان مؤلفه‌های بنیادین و مؤثر در فرآیند وفاداری همسران به میثاق استوار ازدواج.

۲) معناشناسی تعبیر قرآنی میثاق غلیظ

در این بخش از پژوهش به مفهوم لغوی واژه‌های میثاق و غلیظ و کاربردهای قرآنی میثاق و میثاق غلیظ و بررسی دیدگاه‌های مفسران در تبیین معنای میثاق غلیظ در پیمان همسری پرداخته می‌شود.

۲-۱) بازخوانی مفهوم لغوی واژه‌های میثاق و غلیظ

واژه میثاق که اصل آن موثاق بوده، از ریشه ی وثق گرفته شده است. واژه‌شناسان دو معنی برای این ماده ذکر کرده‌اند: «وَتَّقْ، يَتَّقْ، وَثَاقَةٌ» که بر اعتماد کردن و اطمینان داشتن دلالت دارد؛ «وَوُتِّقَ يَوُتِّقُ وَثَاقَةٌ» که بر محکم و استوار شدن دلالت دارد (ابن منظور ۱۴۰۴: ج ۱۰، ص ۳۷۹). به نظر می‌رسد بین این دو مفهوم سازگاری وجود دارد زیرا آنچه از قوت و استواری برخوردار باشد، اعتمادبخش و اطمینان‌آفرین نیز خواهد بود. واژه میثاق در اصل به بند و ریسمانی اطلاق می‌شده که با آن اسیران جنگی و حیوانات را محکم می‌بستند (طریحی ۱۳۷۵: ج ۵، ص ۲۴۴) و در مورد عقد و پیمان که با اموری چون سوگند و عهد، مؤکد و محکم شده به کار رفته است (راغب ۱۴۰۴: ص ۵۱۲). ولی مفهوم کلی آن با در نظر گرفتن هر دو معنای لغوی ماده‌ی «و.ث.ق.» که گذشت، عبارت از هر امری است که اطمینان و آرامش را توأم با اتقان و استواری به دنبال داشته باشد (مصطفوی ۱۳۶۰: ج ۱۳، ص ۲۶).

واژه ی غلیظ صفت مشبّه و به معنای شدید می‌باشد و ریشه ی اصلی آن غلظت به معنای شدت است که در مواردی مانند خشونت در گفتار و رفتار، قساوت و سنگدلی (غلیظ القلب)، صلابت و سختی زمین (ارض غلیظه)، استحکام گیاهان و درختان (استغلاظ الشجر)، و مؤکد بودن قسم و پیمان (یمین مغلظه) به کار رفته است (فراهیدی ۱۴۱۰: ج ۴، ص ۳۹۸؛ ابن منظور ۱۴۱۴: ج ۷، ص ۴۴۹) که در همه ی این موارد به نوعی غلظت و شدت وجود

دارد. بنابراین از واژه‌ی غلیظ که صفت مشبّهه است و هیئت آن بر ثبوت و ماندگاری دلالت دارد، مفهوم شدت و صلابت پایدار استفاده می‌شود و این کلمه به هنگام تلفظ، آوا و بانگ ویزهای دارد که مفهوم یاد شده را تداعی و تأکید می‌کند.

۲-۲) کاربرد قرآنی واژه‌ی میثاق

واژه‌ی میثاق در قرآن کریم ۲۵ مرتبه به کار رفته که در ۲۱ مورد، سخن از میثاق خداوند است که از پیامبران یا عموم مردم گرفته و در ۴ مورد نیز میثاق بین مردم بیان شده که حکومتها و ملتها یا همسران با یکدیگر می‌بندند. اهمیت پژوهش اجمالی این مطلب از آن رو است که به اثبات می‌رساند واژه‌ی میثاق در قرآن کریم بر پیمان‌هایی اطلاق شده که وفاداری به آنها از اهمیت فوق العاده و بسزایی برخوردار است.

۲-۲-۱) میثاق خداوند از پیامبران

واژه‌ی میثاق ۳ مرتبه در مورد پیمان خداوند از انبیاء عظام به ویژه پیامبران اولوالعزم به کار رفته؛ یک مورد در آیه‌ی (آل عمران: ۷) و دو مورد در آیه‌ی «و إِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَ مِنْكَ وَ مِنْ نُوحٍ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى وَ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَ أَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» (و [یاد کن] هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم، و از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم، و از [همه] آنان پیمانی استوار گرفتیم» (احزاب: ۷) که دلالت دارد خداوند از همه‌ی

پیامبران پیمان گرفته و از پیامبران اولوالعزم پیمانی شدیدتر که مسئولیت خطیر تبلیغ دین و دعوت مردم به یکتاپرستی و رهبری و هدایت آنان را به انجام رسانند.

آیهی «هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات لحکمت هن ام الکتاب و اخو متشابهاً و...»

۲-۲-۲) میثاق خداوند از عموم مردم

واژه‌ی میثاق ۱۸ مرتبه در مورد پیمان خداوند از عموم مردم بر اموری چون خداپرستی و پیروی از فرامین او به کار رفته که عبارت‌اند از آیات بقره: ۲۷، ۶۳، ۸۳، ۸۴ و ۹۳، آل عمران: ۱۸۷، نساء: ۱۵۴ (۲ مورد) و ۱۵۵، مائده: ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۷۰، اعراف: ۱۶۹، رعد: ۲۰ و ۲۵، حدید: ۸، برای مثال میثاق خداوند از مسلمانان در آیه‌ی: «و اذکروا نعمه الله علیکم و میثاقه الذی واثقکم به...»؛ «و نعمتی را که خدا بر شما ارزانی داشته و [نیز] پیمانی را که شما را به [انجام] آن متعهد گردانیده، به یاد آورید» (مائده: ۷) و از یهودیان در آیه‌ی «و لقد أخذ الله میثاق بنی اسرائیل...» (مائده: ۱۲) و از مسیحیان در آیه‌ی «و من الذین قالوا انّا نصاری أخذنا میثاقهم...» (مائده: ۱۴) ذکر شده است.

۲-۲-۳) میثاق بین حکومت‌ها

واژه‌ی «میثاق» ۳ مرتبه، در آیات: (نساء: ۹۲، ۹۳، انفال: ۷۲) بر پیمان‌های سیاسی - اجتماعی بین اقوام و ملل و دولتمردان در روابط بین‌الملل به کار

رفته است. مثلاً در آیه‌ی: «...و إن استنصروکم فی الدّین فعلیکم النّصر إلاّ علی قوم بینکم و بینهم میثاق...»، «... و اگر در [کار] دین از شما یاری جویند، یاری آنان بر شما [واجب] است، مگر بر علیه گروهی باشد که میان شما و میان آنان پیمانی [منعقد شده] است...» (انفال: ۷۲) بیان شده مسلمانانی که به بلاد اسلامی هجرت نکرده‌اند، اگر مورد ستم قرار گیرند و از کشورهای اسلامی درخواست کمک کنند، باید آنان را یاری کنند مگر آنکه مسلمانان با بلاد کفر پیمان مسالمت‌آمیز بسته باشند که در این صورت باید به آن وفادار بمانند.

۲-۲-۴) میثاق ازدواج بین همسران

واژه‌ی میثاق، تنها در آیه‌ی «...و أخذن منکم میثاقاً غلیظاً»؛ «...و آنان از شما پیمانی استوار گرفته‌اند» (نساء: ۲۱)، در مورد پیمان زناشویی به کار رفته است. بنابر آنچه گذشت روشن شد واژه‌ی میثاق در قرآن کریم اغلب بر پیمان‌های الهی از پیامبران و عامه‌ی مردم و مواردی نیز بر معاهدات بین‌المللی و پیوند ازدواج اطلاق شده که همه از اهمیت فوق‌العاده برخوردارند.

۲-۳) کاربرد میثاق غلیظ در قرآن

عنوان میثاق غلیظ ۳ مرتبه در قرآن کریم در آیات (نساء: ۲۱ و ۱۵۴، احزاب: ۷) به کار رفته و به ترتیب در مورد پیوند زناشویی، پیمان شدید خداوند از بنی اسرائیل و نیز از انبیاء عظام به ویژه پیامبران اولوالعزم است که این نکته را به اثبات می‌رساند. در کاربردهای قرآنی از بین همه‌ی عقده‌ها و پیمانهای

فراوان و متنوع بشری که در صحنه‌های گوناگون بین افراد حقیقی و حقوقی و ملتها و دولتها منعقد می‌شود، عنوان میثاق غلیظ فقط بر پیمان ازدواج اطلاق شده و از آنجا که واژه‌ی میثاق بر استواری و وثوق دلالت دارد و به پیمانی اطلاق می‌شود که با گونه‌ای وثیقه و سوگند، موثق و مؤکد شده و وصف غلیظ نیز بر شدت، صلابت و استواری پایدار دلالت دارد و به نوعی مفهوم میثاق را تأکید می‌کند، بنابراین ترکیب وصفی این دو واژه و کاربرد آن بین پیمان‌های مردمی فقط در پیوند ازدواج، دلالت دارد که از دیدگاه قرآن کریم میثاق همسری و پیمان زناشویی از استوارترین و ارزشمندترین پیمان‌های بشری است. از آنجا که فلسفه‌ی اصلی میثاق و تأکید پیمان افزایش میزان وفاداری به آن و پیشگیری از پیمان‌شکنی است، کاربرد عنوان میثاق غلیظ در ازدواج می‌تواند به ضرورت فوق‌العاده وفاداری به پیمان همسری و التزام همه جانبه به لوازم آن اشاره داشته باشد.

۲-۴) دیدگاه مفسران در تبیین معنای میثاق غلیظ

عنوان میثاق غلیظ در مورد پیمان ازدواج فقط در آیه‌ی «و کیف تأخذونه و قد أفضی بعضکم إلی بعض و أخذن منکم میثاقا غلیظا» (نساء: ۲۱) به کار رفته که در آن از مردانی نکوهش شده که پس از طلاق دادن همسرانشان به گناه و بهتان رو می‌آورند تا مهریه‌ای که داده‌اند باز پس گیرند. خداوند برای تحریک عواطف انسانی چنین افرادی و بازداشتن آنها از ستم می‌فرماید: «و چگونه آن [مهر] را می‌ستانید با آنکه از یکدیگر کام گرفته‌اید، و آنان از شما

پیمانی استوار گرفته‌اند؟» از دیر باز بین مفسران در تبیین میثاق غلیظ در آیه‌ی مورد بحث دو دیدگاه محوری مطرح بوده است.

الف- مقصود از میثاق غلیظ، عقد شرعی ازدواج است که از ایجاب و قبول تشکیل شده و با الفاظ و عبارات خاصی بین زوجین ردوبدل می‌شود (مغنیه ۱۴۲۴: ج ۲، ص ۲۸۳؛ شوکانی ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۵۰۸) این دیدگاه با روایتی از امام محمد باقر علیه السلام تأیید می‌شود که آن حضرت در تفسیر آیه فرمودند: «المیثاق هی الکلمة الّتی عقد بها النّکاح»؛ «مقصود از میثاق الفاضلی است که نکاح با آن بسته می‌شود» (کلینی ۱۳۶۵: ج ۵، ص ۵۶۰) و در ادامه با تعبیری کنایی به رابطه‌ی زناشویی اشاره فرمود که موجب تثبیت بیشتر ازدواج می‌شود.

از دیدگاه علامه طباطبائی، مقصود از میثاق غلیظ، علقه‌ی زوجیت و پیوند همسری است که با عقد پدید می‌آید (طباطبائی ۱۴۱۷: ج ۴، ص ۲۵۸). بدیهی است مفسرانی که میثاق غلیظ را به عقد ازدواج تفسیر کرده‌اند، عقد را به اعتبار آن که پیوند همسری با آن ایجاد می‌شود لحاظ نموده‌اند.

ب- گروهی از مفسران معتقدند مقصود از میثاق غلیظ پیمان و تعهدی است که هنگام عقد ازدواج از مرد گرفته می‌شود که زن را به شایستگی نگه دارد (طبرسی ۱۳۷۲: ج ۳، ص ۴۲) و در نقلهای تاریخی نیز تصریح شده که چنین تعهدی - به صورت شرط عقد یا با سوگند- از زوج گرفته می‌شده (طبری ۱۴۱۲: ج ۴، ص ۲۱۶) و امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: «هرگاه مردی بخواهد با زنی ازدواج کند بگوید: به میثاق نگه داشتن همسر به شایستگی یا رها

ساختن او به نیکی که خداوند گرفته اقرار نمودم» (کلینی ۱۳۶۵: ج ۵، ص ۵۰۲). بنابراین غلیظ بودن (شدت و استواری) چنین پیمانی به خاطر قرار گرفتن آن در ضمن عقد یا انضمام آن به سوگند یا اقرار نمودن زوج به آن در هنگام خواندن عقد می‌باشد.

این پیمان برگرفته از در آیهی: «الطَّلَاق مَرَّتَانِ فَاِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ اَوْ تَسْرِیحٌ بِاِحْسَانٍ»؛ «طلاق (رجعی که شوهر در آن حق رجوع دارد) دو بار است، پس (در هر بار بر شوهر است یا در عده رجوع کردن و او را) به شایستگی نگه داشتن و یا (ترک رجوع و او را) به خوشی و احسان رها ساختن» (بقره: ۲۲۹) است که مفادش ویژه‌ی وضعیت پس از طلاق نیست بلکه التزام به این پیمان شدید و رعایت این اصل مهم در زندگی همواره مطلوب و از مهمترین مؤلفه‌های وفاداری به پیمان ازدواج است.

به نظر می‌رسد این دیدگاه نیز با دیدگاه اول سازگاری دارد، زیرا میثاق غلیظ می‌تواند به عقد ازدواج اشاره داشته باشد که مفاد آن پیوند زناشویی است و همه‌ی آثار شرعی و عقلایی مورد نظر بر آن مترتب می‌شود و یکی از آثارش مضمون آیهی مذکور است که مرد با همسر خود به شایستگی زندگی کند (فضل‌الله ۱۴۱۹: ج ۷، ص ۱۶۷). بنابراین ازدواج با توجه به همه‌ی آثار و لوازمش میثاق غلیظ به شمار می‌آید.

حال این پرسش به ذهن می‌آید که چرا از بین همه‌ی عقود و پیمان‌های بشری فقط میثاق غلیظ در مورد ازدواج به کار رفته است؟ در پاسخ باید

گفت: خداوند با قداستی که به عقد ازدواج بخشیده، آن را از عقود دیگر ممتاز نموده تا جایی که گفته‌اند عقد ازدواج به عبادات نزدیکتر است تا عقود و پیمانها. پیامبر اسلام ﷺ نیز فرمودند: «من تزوج أحرز نصف دینه» (کلینی ۱۳۶۵: ج ۵ ص ۳۲۸). این حدیث که ازدواج را موجب حفاظت نیمی از دیانت می‌شمرد، نکاح را در چهره‌ی ملکوتی‌اش می‌بیند و آن را عبادت می‌داند (جوادی ۱۳۸۷: ج ۱۸، ص ۲۶۶).

افزون بر اینکه هر یک از روابط و مناسبات انسانی برقرار بین دو نفر به یکی از ابعاد زندگی طرفین مربوط می‌شود، در صورتی که رابطه‌ی همسری تداعی کننده‌ی نوعی اندماج روحی و بدنی در همه‌ی ایام زندگی مشترک و در همه‌ی امور خرد و کلان می‌باشد - به گونه‌ای که بر اساس آموزه‌ی قرآنی «هن لباس لکم و أنتم لباس لهن» (بقره: ۱۸۷)؛ همسران جامه‌ی یکدیگرند، یکدیگر را می‌پوشند و در لباس شخصیت دیگری داخل می‌شوند - همین امر موجب تأثیرگذاری گسترده و ژرف بر همدیگر در مسیر زندگی مشترک می‌شود (فضل الله ۱۴۱۹: ج ۷، ص ۱۶۷).

پرسش دیگر اینکه چرا در آیه‌ی «...و أخذن منکم ميثاقا غلیظا» (نساء: ۲۱) گرفتن پیمان فقط به زنان نسبت داده شده است؟ در پاسخ باید گفت: آیات متعددی مانند: «...و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف...»؛ «...و مانند همان [وظایفی] که بر عهده زنان است، به طور شایسته، به نفع آنان [بر عهده مردان] است...» (بقره: ۲۲۸). دلالت دارد میثاق همسری و تعهدات مربوط

به آن طرفینی است، اما از آن جهت که زن کانون جوشان احساسات و عواطف است و سرپرستی مرد را می‌پذیرد، با خواندن ایجاب عقد و مطرح کردن شرایط مورد نظر خود از مرد پیمان می‌گیرد و مرد پیمان همسری را با شرایط او قبول می‌کند، از این رو در آیه‌ی مورد بحث، میثاق گرفتن به زنان نسبت داده شده است» (مصطفوی ۱۳۸۰: ج ۵، ص ۳۱۱؛ موسوی سبزواری ۱۴۰۹: ج ۷، ص ۴۰).

۳) ایمان و باورهای دینی، مؤلفه‌ی بنیادین وفاداری به میثاق همسری

در این بخش از پژوهش «ایمان و باورهای دینی» به عنوان مؤلفه‌ی بنیادین و بسیار مؤثر در وفاداری به میثاق همسری با محورهایی چون جایگاه مؤلفه‌ی ایمان در میثاق همسری، تأثیرگذاری ایمان بر وفاداری به میثاق همسری و تأثیر تفاوت مراتب ایمان بر میزان وفاداری به این میثاق بررسی می‌شود.

پیش از ورود در بحث، لازم است مقصود از وفاداری به میثاق همسری به اختصار بیان شود. واژه‌ی «وفی» و مشتقات آن بر مفهوم «اتمام و اکمال» دلالت دارد و از آنجا که اموری چون وعده، نذر، عهد و پیمان با انجام دادن تعهدات مربوط به هریک تکمیل می‌شوند، به انجام دادن تعهد به طور کامل وفاداری اطلاق می‌شود (مصطفوی ۱۳۶۰: ج ۱۳، ص ۱۶۲)؛ از این رو مقصود از وفاداری به میثاق ازدواج در این پژوهش، عبارت است از التزام عملی کامل

و پای‌بندی همه جانبه به تعهدات و لوازم شرعی، عقلی و عقلایی آن.

۳-۱) جایگاه مؤلفه‌ی ایمان در میثاق همسری

از دیدگاه قرآن کریم «ایمان و باورهای اصیل توحیدی» از مؤلفه‌های اساسی در وفاداری به میثاق همسری است که هم در انعقاد این پیمان هم در استمرار و بقاء آن ضرورت دارد. در آیه‌ی: «و لا تنکحوا المشرکات حتّی یؤمننّ و لأمة مؤمنة خیر من مشرکة و لو أعجبتکم و لا تنکحوا المشرکین حتّی یؤمنوا و لعبد مؤمن خیر من مشرک و لو أعجبتکم...»؛ «و با زنانِ مشرک ازدواج نکنید، تا ایمان بیاورند. قطعاً کنیزِ با ایمان بهتر از زنِ مشرک است، هر چند [زیبایی] او شما را به شگفت آورَد و به مردانِ مشرک زن مدهید تا ایمان بیاورند. قطعاً برده‌ی با ایمان بهتر از مردِ آزاد مشرک است، هر چند شما را به شگفت آورَد» (بقره: ۲۲۱). تأکید شده که ایمان و باورهای دینی از شرایط لازم برای بستن پیمان همسری است و فردی که باورهای شرک‌آلود دارد هرچند ثروت، قدرت، زیبایی، موقعیت اجتماعی و شرافت خانوادگی او خیره کننده و شگفت‌آور باشد، صلاحیت ازدواج با فرد با ایمان را ندارد.

در ادامه‌ی آیه‌ی مذکور حکمت تحریم ازدواج مسلمانان با مردان و زنان مشرک را این گونه بیان می‌فرماید: «...أولئک یدعون إلى النار و الله یدعوا إلى الجنة و المغفرة بإذنه...»؛ «...آنان [شما را] به سوی آتش فرا می‌خوانند، و خدا به فرمان خود، [شما را] به سوی بهشت و آمرزش می‌خواند...»، مقصود آن است که آنها به انحرافات عقیدتی و گناہانی که موجب ورود در آتش دوزخ

است فرامی‌خوانند و خداوند به ایمان و طاعت الهی که موجب آمرزش و ورود در بهشت است دعوت می‌کند (طبرسی ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۵۶۱)، روشن است که این تعلیل به تأثیرگذاری عمیق و مستمر باورهای دینی همسران در ابعاد مختلف زندگی و سعادت و شقاوت یکدیگر اشاره دارد.

پر واضح است که اساس ازدواج بر ائتلاف، اتحاد روحی و انسجام فکری استوار است در حالی که اندیشه‌ها، باورها، عواطف و روحیات و سلوک فردی و اجتماعی برگرفته از ایمان و توحید با آنچه برگرفته از شرک و خرافات است، تضاد و ناسازگاری کلی دارد و همین ناسازگاری و تباین کلی در باورها، روحیات و روش زندگی، پایه‌های میثاق همسری را متزلزل می‌کند و بر عواطف و احساسات عاشقانه ولی ناپایدار - که ریشه در زیبایی‌های ظاهری یا ثروت و موقعیت‌های اجتماعی دارد - غلبه می‌کند. از آیه‌ی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مِهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حَلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحْلَوْنَ لَهُنَّ...»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون زنان با ایمان مهاجر، نزد شما آیند آنان را بیازمایید، خدا به ایمان آنان داناتر است. پس اگر آنان را با ایمان تشخیص دادید، دیگر ایشان را به سوی کافران بازنگردانید. نه آن زنان بر ایشان حلالند و نه آن [مردان] بر این زنان حلال، ...» (ممتحنه: ۱۰) نیز استفاده می‌شود زنانی که به مرکز اسلام هجرت کرده‌اند و ایمان آنها احراز شده، به بلاد شرک و کفر برگشت داده نمی‌شوند چرا که نکاح آنها

فسخ و پیوند همسری آنها با شوهران کافرشان منقطع شده و نیاز به طلاق هم ندارند (همان: ص ۴۱۲). با توجه به دو آیه‌ی مذکور اثبات می‌شود که ایمان و باورهای مذهبی از شرایط اصلی برای پیمان همسری و استمرار آن است.^۱

۲-۳ تأثیرگذاری مؤلفه‌ی ایمان بر وفاداری به میثاق همسری

وفاداری به پیمان‌ها به ویژه پیوند همسری به گونه‌ای مستقیم متأثر از ایمان و باورهای دینی است، بدین معنا که فرد با ایمان وفای به عهد را خصلتی الهی می‌داند «و لن یخلف الله وعده» (حج: ۴۷) که همواره باید به آن متخلق بود و در روز قیامت از آن سؤال می‌شود «و أوفوا بالعهد إنَّ العهد کان مسئولاً» (اسراء: ۳۴).

توجه به این نکته ضروری است که وفاداری و تعهد به میثاق همسری برآیند پیچیده‌ای از کنش‌های مختلف و متقابل همسران است که متأثر از باورها، گرایش‌ها، منش‌ها و رفتارهای آنان و تربیت خانوادگی و وضعیت فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ای است که همسران در آن زندگی می‌کنند. از این رو، شیوه‌ی بیانی قرآن کریم در تشریع مقررات اسلامی به طور کلی و احکام ازدواج و خانواده به طور ویژه، آمیختگی بیان احکام و قوانین با معارف توحیدی و توجه دادن به مبدأ و معاد و اسماء و صفات الهی است.

۱ - لازم به ذکر است در مورد ازدواج مرد یا زن مسلمان با اهل کتاب مباحث مفصلی در کتاب‌های تفسیری و فقهی طرح شده که بررسی آن در این پژوهش مختصر نمی‌گنجد.

مروری اجمالی بر آیات مربوط به مسئله خانوادگی و روابط همسران به ویژه جملات پایانی این گونه آیات مانند «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (بقره: ۲۲۲)، «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقَوُهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (بقره: ۲۲۳)، «فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره: ۲۲۶)، «فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۲۷)، «وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (بقره: ۲۲۸)، «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا» (بقره: ۲۲۹) و عباراتی مشابه در آیات ۲۳۰-۲۴۰ سوره مبارکه ی بقره که همگی به دنبال بیان احکام ازدواج و طلاق آورده شده، این نکته را به اثبات می‌رساند که خداوند برای پایبندی همسران به لوازم میثاق همسری در همه‌ی مراحل زندگی مشترک حتی دوران طلاق و جدایی، باورهای دینی همسران مانند خداباوری و توجه به اسماء و صفات الهی را - که هر کدام به طرز زیبا، هنرمندانه و حکیمانه، ضمانت اجرایی حکم و برنامه‌ای خاص قرار داده شده - تقویت و شکوفا می‌سازد تا احکام، مسئولیت‌ها و حقوق همسری را حدود و مرزهای الهی بدانند که نباید از آنها عبور کرد و باید به لوازم و آثار این پیمان مقدس متعهد باشند. نمونه‌ای از این گونه آیات چنین است:

در آیه‌ی «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ ... إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا»؛ «مردان، سرپرست زنان‌اند، ... خدا والای بزرگ است» (نساء: ۳۴). پس از بیان اصل سرپرستی و مدیریت مرد در خانواده و شیوه و مراتب برخورد با همسری که به نشوز و تخلف از وظیفه‌ی زناشویی رو آورده، با ذکر صفاتی که بر عظمت و بزرگی خداوند دلالت دارد، به مردان هشدار می‌دهد که از موقعیت

سرپرستی خود سوء استفاده نکنند؛ بزرگی و والایی خداوند را مورد توجه قرار داده، به قدرت و توفیقی که بر زنان خود دارند مغرور نشوند و با برتری-جویی و استکبار بر آنها ستم نکنند (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۴، ص ۳۴۶).

در آیات «... فَإِنْ فَاؤُ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ «... پس اگر [به آشتی] بازآمدند، خداوند آمرزنده مهربان است. و اگر آهنگ طلاق کردند، در حقیقت خدا شنوای داناست» (بقره: ۲۲۶ و ۲۲۷) که در مورد ایلا (سوگند مرد بر ترک رابطه‌ی زناشویی با همسر خویش) است و از شدت اختلاف در خانواده حکایت می‌کند، بر دو صفت «غفور» و «رحیم» دلالت دارد. آیه می‌فرماید برگشت از آن سوگند و بازگشت به آشتی و احیای زندگی مشترک رمز دریافت آمرزش و رحمت ویژه‌ی الهی است. در حقیقت همسران با ایمان را تشویق می‌کند که نفس خود را به این دو صفت الهی آراسته، از خطای شریک زندگی درگذرند و او را از عذوبت و مهربانی سرشار خود بهره‌مند سازند. همان طور که پس از هشدار درباره‌ی دشمنی و عداوت برخی از همسران و فرزندان فرمود: «...وَإِنْ تَعَفَوْا وَتَصَفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ «...و اگر ببخشایید و درگذرید و بیامرزید، به راستی خدا آمرزنده مهربان است» (تغابن: ۱۴).

ولی اگر تصمیم آنها بر طلاق و جدایی قطعی است، دو صفت «سمیع» و «علیم» آنها را توجه می‌دهد که خداوند طلاق دادن و دیگر سخنان آنها را می‌شنود و از انگیزه‌های درونی آنها آگاهی کامل دارد. تأثیرگذاری این دو

صفت الهی بر جدایی آنها بدین گونه است که مرد از قانون طلاق سوءاستفاده نکند و پیروی از هوای نفس انگیزه‌ی جدایی آنها نباشد بلکه به خاطر ضرورت‌ها و اقتضائات واقعی، میثاق ازدواج گسسته شود.

آیه‌ی «...و لا یحلّ لهنّ أن یمتنّ ما خلق الله فی أرحامهنّ إن کنّ یؤمنن بالله و الیوم الآخر»؛ «و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارند، برای آنان روا نیست که آنچه را خداوند در رَحِمِ آنان آفریده، پوشیده دارند» (بقره: ۲۲۸). بنا به حدیث امام صادق (علیه السلام) مقصود آن است که زن نباید شروع یا پایان عادت ماهانه و حامله بودن خود را کتمان کند (حر عاملی ۱۱۰۴: ج ۱۵، ص ۴۴) و به دروغ ادعا کند که به عادت ماهانه مبتلا می‌شود تا مدت عده‌اش را - که تا زمان وضع حمل ادامه دارد - کمتر کند یا با کتمان حمل آن را به مرد دیگری منتسب سازد. غرض اینکه در این گونه موارد اگر ایمان زن ضعیف باشد، چه بسا با کتمان حقیقت، حقوق شوهر یا حمل خود را تضییع کند، ولی باور دینی عمیق به اینکه خداوند دانا، توانا و صاحب اختیار انسان می‌باشد و روز قیامت روز محاسبه و جزا و پاسخگویی است، مهمترین و تأثیرگذارترین عامل درونی برای التزام همسران به حق مداری، راستگویی و پرهیز از کتمان واقعیت‌ها می‌باشد تا حقوق همه‌ی اعضای خانواده حفظ شود و نیز فرصت عده برای رجعتی مبارک به میثاق همسری از دست نرود.

۳-۳ تفاوت مراتب ایمان و تأثیر آن در میزان وفاداری به میثاق همسر

ایمان و باورهای دینی در همه‌ی افراد یکسان نیست بلکه مراتب و درجات متفاوتی دارد و از قابلیت افزایش کمی و کیفی برخوردار است؛ این ادعا به استناد آیات متعدد مانند «... إذا تليت عليهم آياته زادتهم إيماناً» (انفال: ۲) که تلاوت آیات الهی بر مؤمنان را موجب افزایش ایمان آنها دانسته و نیز آیات ۱۷۳ سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۲۴ سوره توبه، آیه‌ی ۲۲ سوره‌ی احزاب) اثبات شدنی است، از این رو خداوند در آیه‌ی «یا أيُّها الذین آمنوا آمنوا...» (نساء: ۱۳۶) به تعمیق و افزایش باورهای دینی فرمان داده است. البته باورهای کفرآمیز و منافقانه نیز با توجه به آیاتی چون آیه‌ی ۱۳ سوره‌ی بقره و آیه‌ی ۱۳۵ سوره مبارکه توبه از این ویژگی برخوردارند.

نکته‌ی قابل توجه تأثیرگذاری مراتب ایمان و سطح باورهای دینی همسران در روابط آنها است که هر قدر درجه‌ی ایمان قویتر باشد، رعایت اخلاق اسلامی و حدود شرعی نیز کامل‌تر و بهتر انجام خواهد شد و میزان وفاداری و التزام عملی زن و شوهر به میثاق همسری نیز افزایش خواهد یافت. از این رو، رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «أحسن الناس إيماناً أحسنهم خلقاً و أطفهم بأهله و أنا أطفكم بأهلی»؛ «نیکوترین مردمان از جهت ایمان، فردی است که اخلاقش از همه زیباتر و از همه مهربان‌تر در برابر خانواده باشد و من مهربان‌ترین شما در برابر خانواده‌ی خود هستم» (صدوق ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۳۸). که در این روایت پرمحتوی به تفاوت سطح باورهای دینی مردم

و نیز تفاوت درجات آنها در اخلاق نیک و مهربانی در برابر خانواده و نیز تأثیرگذاری ایمان بر زیبایی اخلاق و افزایش صفا و صمیمیت در کانون خانواده و سبقت پیامبر اسلام ﷺ در این امور از همگان اشاره شده است. در یک جمع‌بندی کلی روشن شد که ایمان و باورهای توحیدی از مؤلفه‌های بنیادین و تأثیرگذار در استحکام میثاق همسری و فاداری به آن است، از یک سو پیمان همسری در جامعه‌ی دینی بر اساس ایمان و باورهای مذهبی شکل می‌گیرد و از سوی دیگر ایمان موجب شکوفایی فضایل اخلاقی و التزام عملی به تعهدات حقوقی و اخلاقی خانوادگی و اتحاد و همگرایی بین همسران می‌گردد و وفاداری همسران به پیمانی که با هم بسته‌اند را در پی خواهد داشت و در این راستا باورهای دینی که از استواری بیشتر برخوردار است تأثیرگذارتر است.

۴) «معاشرت به معروف» مؤلفه‌ی بنیادین دیگر برای وفاداری به میثاق همسری

در این بخش از نوشتار، «معاشرت به معروف» به عنوان مؤلفه‌ای بنیادین و فراگیر برای وفاداری به میثاق همسری، با محورهایی چون بازخوانی مفهوم معاشرت به معروف، جلوه‌هایی از معاشرت به معروف در قرآن کریم و رابطه‌ی آنها با وفاداری به میثاق همسری بررسی می‌شود.

۴-۱) باز خوانی مفهوم معاشرت، معروف، معاشرت به معروف

واژه‌ی «معروف» اسم مفعول از فعل ثلاثی مجرد «عَرَفَ، يَعْرِفُ»، مفهوم اصلی آن «شناخت چیزی و آگاهی از خصوصیات و آثار آن» یا «سکون، آرامش و طمأنینه» است که به نظر می‌رسد بین این دو مفهوم ناسازگاری نیست چرا که آرامش و طمأنینه از لوازم معرفت و شناخت است و انسان در پرتو شناخت درست به آرامش می‌رسد. بنابراین معروف در لغت به چیزی اطلاق می‌شود که از آن اطلاع و آگاهی حاصل شده و با پی بردن به آثار و خصوصیاتش، از غیر خود تمیز داده شده و نفس آدمی نزد آن آرامش می‌یابد و اطلاق معروف به معنی شناخته شده بر «کار نیک و پسندیده» از آن جهت است که جان آدمی با آن آشناست و با اقدام بر آن به طمأنینه و آرامش می‌رسد (مصطفوی ۱۳۶۰: ج ۸، ص ۱۳).

واژه‌ی معروف در آیات امر به معروف مانند آیه‌ی ۷۱ سوره توبه به آنچه خداوند به حکم عقل یا شرع واجب کرده یا به آن تشویق نموده، اطلاق شده است (طوسی: ج ۵، ص ۲۵۷) و به مسلمانان دستور داده شده که یکدیگر را به رعایت آنها وا دارند. در آیات مربوط به مسئله خانوادگی که در این پژوهش مورد نظر است، به کارهای متعارف و مطابق فرهنگ و عرف که بر اساس موازین شرع و عقل باشد اطلاق شده مانند «...و علی المولود له رزقهنّ و کسوتهنّ بالمعروف...»؛ «و خوراک و پوشاک آنان [مادران]، به طور شایسته، بر عهده‌ی پدر است» (بقره: ۲۳۳). که روشن است میزان پرداخت

نفقه در شهرها و روستاهای مختلف یکسان نیست و ملاک، متعارف محل سکونت است. علامه طباطبایی می‌نویسد: «معروف در بردارنده‌ی هدایت عقل آدمی و احکام شرع و فضایل اخلاقی نیک و آداب اجتماعی است و از آنجا که اسلام شریعت خود را بر فطرت بنا نهاده، معروف نزد او امری است که مردم اگر راه فطرت را بپیمایند، آن را می‌شناسند» (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۲۳۲)، بنابراین، دایره‌ی معنایی معروف ثابت و محدود نیست، بلکه در زمانهای مختلف و جوامع گوناگون با تحفظ بر معیارهای عقلی، شرعی و اخلاقی همراه با تحول زمان و پیشرفت خردمندان با ایمان متغیر است (موسوی سبزواری ۱۴۰۹: ج ۴، ص ۱۰). البته برای تشخیص مصادیق معروف نه تنها باید به گرایش‌های انسانی توجه کرد بلکه جهت آن نیز باید به سمت فراهم آوردن رضایت خداوند باشد. معروف‌هایی که در شریعت اسلام از آنها یاد شده، نه تنها به عمل مقبول مردم طبق اقتضائات زمان و مکان توصیه می‌کند، بلکه با رویکردی معنوی که محبت الهی را داراست به اجرای این عمل پسندیده اشاره می‌کند (عظیم‌زاده ۱۳۷۸: ص ۸).

معاشرت مصدر باب مفاعله، ریشه‌ی اصلی آن «عشرت» به معنای مصاحبت و همنشینی است. «عشیره» که حرف «ت» آن بر کثرت دلالت دارد، به خویشان و دوستان و همه‌ی کسانی گفته می‌شود که با هم زندگی می‌کنند. بنابراین معاشرت بر نوعی ارتباط زیاد و آمیختگی و همزیستی دلالت دارد (مصطفوی ۱۳۶۰: ج ۸، ص ۱۳). چه این همزیستی بین مردان باشد یا

زنان یا مردان با زنان، در محیط خانواده باشد یا محل کار یا صحنه‌ی اجتماع، ولی با توجه به آنچه گذشت مقصود از معاشرت به معروف در این پژوهش آن است که شیوه‌ی تعامل و کیفیت عملکرد و رفتارهای همسران با یکدیگر در زندگی مشترک، شایسته، نیک، خردمندانه و بر طبق موازین شرعی و عقلایی باشد تا آرمانها و اهداف میثاق همسری حاصل شود.

۲-۴) جلوه‌هایی از معاشرت به معروف و ارتباط آنها با وفاداری

معاشرت به معروف از جهت فراگیری و تأثیرگذاری، از مؤلفه‌های مهم برای وفاداری به میثاق همسری به شمار می‌رود که حوزه‌های مختلف ارتباط بین همسران و همه‌ی حقوق و وظایف مالی و غیر مالی را فرا گرفته و بر اساس جمله‌ی «و عاشروهنّ بالمعروف» (نساء: ۱۹) که عبارتی کوتاه ولی پرمحتوا است، شیوه‌ی عملکرد و همه‌ی رفتارها و روابط متقابل همسران طبق موازین شرعی، عقلی و عقلایی باید شایسته، نیک و پسندیده باشد. هرچند خطاب مستقیم در آیه‌ی مذکور به مردان است زنان نیز چنین وظیفه‌ای بر عهده دارند و ضرورت دارد معاشرت به معروف را در ارتباطات گفتاری و رفتاری با همسرانشان رعایت کنند. همان طور که در ماده‌ی ۱۱۰۳ قانون مدنی نیز زن و شوهر هر دو مکلف به معاشرت به معروف با یکدیگر شده‌اند.

در این بخش از پژوهش به آیاتی اشاره می‌شود که واژه‌ی معروف را در مورد روابط همسران و مسئله خانوادگی به کار برده و در حقیقت

جلوه‌هایی از معاشرت به معروف را بیان کرده و به تصریح مفسران زیر مجموعه‌ی «وعاشروهنّ بالمعروف» (نساء: ۱۹) به شمار می‌روند (جوادی ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۳۰۳) و به ارتباط هر یک با وفاداری به میثاق همسری اشاره می‌شود. لازم به ذکر است بسیاری از این اصول و مقررات در آیات طلاق اشاره شده چرا که طلاق اوج اختلاف و ناسازگاری میان زن و شوهر است که در آن حقوق دو طرف نادیده گرفته می‌شود. از این رو، بسیاری از حقوق و اصول اخلاقی و آداب مطرح در آیات طلاق در حقیقت الزامات و تعهداتی است که پای‌بندی به آنها در دوران عادی زندگی که صلح و سازش برقرار است از ضرورت بیشتر برخوردار می‌باشد تا پیوند زناشویی استوارتر و از گسست میثاق همسری پیشگیری شود (مدرسی ۱۴۱۹: ج ۱، ص ۳۹).

۲-۱) اصل نگهداری شایسته از همسر

آیات متعددی مانند «الطَّلَاق مَرَّتَانِ فِإِمْسَاكٍ بِمَعْرُوفٍ...» (بقره: ۲۲۹) و آیه‌ی ۲۳۱ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره و آیه ۲ سوره‌ی مبارکه‌ی طلاق دلالت دارد پس از طلاق رجعی، مرد می‌تواند در مدت عده‌ی همسرش به او رجوع کند و پیوند همسری‌اش را استمرار بخشد ولی از آنجا که این اقدام به دو صورت امکانپذیر است - گاهی به شیوه‌ی معروف و توأم با معیارهای انسانی و رعایت حقوق شرعی و گاهی به شیوه‌ی منکر و به منظور اذیت و آزار رسانی - در این آیات انضمام قید معروف به واژه‌ی «امساک» صورت اول را اجازه داده تا انس و آرامشی که خداوند برای همسران خواستار است حاصل

شود (طباطبایی ۱۴۱۷: ج ۲، ص ۲۳۴) و وفاداری به میثاق همسری ادامه یابد، اما همسرداری با اذیت و آزارسانی به یکدیگر و دیگر امور ناپسند، میثاق را به گسست می کشاند. بدیهی است همسرداری شایسته ویژه‌ی وضعیت پس از طلاق نیست بلکه التزام به این پیمان شدید و رعایت این اصل مهم در زندگی همواره مطلوب و از مهمترین مؤلفه‌های وفاداری به پیمان ازدواج است.

۲-۲) اصل احسان به همسر

آیات قرآن دلالت دارد زمانی که زن عده‌ی طلاق رجعی را می گذراند، مرد می تواند رجوع نکند و او را رها سازد، ولی نکته‌ی مهم آن است که رها کردن همسر و جدایی از او اگر متأثر از خشم و غضب و انتقام جویی باشد، ناپسند و منکر به شمار می آید ولی اگر به شیوه‌ای متعارف، پسندیده و مورد تأیید شرع باشد، جمله‌ی «أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ» (بقره: ۲۳۱) بر مشروعیت آن دلالت دارد (همان: ج ۲، ص ۲۳۴) و زوجین در صورت ضرورت و مصلحت با رعایت اصل معروف از هم جدا می شوند. افزون بر این، جمله‌ی «تسريح بإحسان» (بقره: ۲۲۹) بیان می کند «احسان» و نیکوکاری را که فراتر از حقوق عادلانه است، در مورد همسرش رعایت کند. چنان که در صورت بیم از ناسازگاری یا رویگردانی شوهر پس از سفارش به صلح و آشتی همسران، با تعبیر «وإن تحسنوا و تتقوا» (نساء: ۱۲۸) به نقش «احسان» و «پرهیزگاری» در استحکام پیوند همسری اشاره دارد.

آیه‌ی «و سرّوهنّ سراحاً جمیلاً» (احزاب: ۴۹) نیز می‌رساند که رفتار با همسر افزون بر پسندیده بودن باید با زیبایی خاص توأم باشد یعنی نه تنها خصومت‌آمیز و خشونت‌بار نبوده و زیانی به او نرساند بلکه با گذشت، احترام، تکریم، رحمت و خیرخواهی از او جدا شود. همانطور که گذشت آنچه در اینگونه آیات ذکر شده از آثار میثاق همسری است و به مورد طلاق و جدایی اختصاص ندارد. بنابراین احسان و منش نیک و به ویژه گفتار و رفتار جمیل و هنرمندانه از مهمترین مهارت‌های همسراری است که به استحکام پیوند زناشویی و وفاداری می‌انجامد.

۲-۳) اصل مشورت همسران با یکدیگر

آیه‌ی «فإن أرضعن لكم فآتوهنّ أجورهنّ و أتمروا بینکم بمعروف»؛ «و اگر (زنان مطلقه) برای شما [بچه] شیر می‌دهند مزدشان را به ایشان بدهید و به شایستگی میان خود به مشورت پردازید» (طلاق: ۶). دلالت دارد مرد با زن مطلقه در مورد شیردهی به طفل و اجرت آن مشورت کنند و به توافق شایسته برسند به گونه‌ای که هیچ فردی متضرر نگردد؛ نه مرد با پرداخت مزد فراوان و نه زن با دریافت مزد اندک و نه طفل با کم شدن مدت شیرخوارگی (فاضل مقداد ۱۴۱۹: ج ۲، ص ۲۱۸). در ضمن «أتمروا» از ایتمار در لغت به معنی پذیرفتن فرمان است و بر مشورت دو جانبه نیز اطلاق شده چرا که دو طرف گفت‌وگو دستور و سخن یکدیگر را پذیرا می‌شوند (راغب ۱۴۰۴: ص ۸۹). همان‌طور که با واژه «تشاور» در «ان أرادا فصلاً عن تراض منهما و تشاور فلا

جناح علیهما؛ «اگر [پدر و مادر] بخواهند با رضایت و صواب دید یکدیگر، کودک را [زودتر] از شیر بازگیرند، گناهی بر آن دو نیست» (بقره: ۲۳۳). به جایگاه مشورت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خانواده اشاره شده و به نظر می‌رسد ضرورت مشورت همسران از خصوص مورد آیه به همه‌ی امور خانواده متسری است، البته معروف و شایسته بودن مشورت بین همسران در امور مشترک ایجاب می‌کند گفت‌وگو با کمال صداقت، در فضایی صمیمانه و به دور از تشنج و استبداد به رأی انجام پذیرد تا با همگرایی و پذیرفتن پیشنهادهای معقول و سازنده‌ی همدیگر به تصمیم‌سازی مشترک برسند. مسلم است در چنین فضایی میثاق همسری از استواری و استحکام بیشتر برخوردار شده و موانع وفاداری به آن بر طرف می‌شود.

۲-۴) اصل تراضی و جلب خوشنودی یکدیگر

آیه‌ی «و إذا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلِّغْنَ أَجْلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُم بِالْمَعْرُوفِ... ذَلِكُمْ أَزْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرُ»، «و چون زنان را طلاق گفتید، و عده خود را به پایان رساندند، آنان را از ازدواج با همسران [سابق] خود، چنانچه به خوبی با یکدیگر تراضی نمایند، جلوگیری مکنید... [مراعات] این امر برای شما پربرکت‌تر و پاکیزه‌تر است» (بقره: ۲۳۲) دلالت دارد اگر پس از انقضای عده‌ی طلاق، بین زن و شوهر سابق رضایت طرفینی و توافق حاصل شود که به شیوه‌ی معروف و پسندیده و با برنامه‌ای شناخته شده و روشن بار دیگر با هم ازدواج کنند، هیچ فردی حق ندارد زن را از این اقدام

منع کند. مسلم است تراضی به معروف قبل از هر ازدواجی لازم است و به ازدواج پس از طلاق اختصاص ندارد. همان طور که پس از ازدواج نیز شایسته است بر اساس معروف یعنی شیوه‌ای خدایسندانه و خردمندانه و با صمیمیت و گذشت، خشنودی خاطر یکدیگر را جلب نمایند. بدیهی است هر قدر رضایت‌مندی معقول در زندگی مشترک بیشتر باشد پای‌بندی همسران به میثاق همسری نیز بیشتر خواهد بود.

۲-۵) اصل پرداخت حقوق مالی زن به صورت شایسته

آیهی «...و علی المولود له رزقهنّ و کسوتهنّ بالمعروف لا تکلف نفس إلاّ وسعها»، «و خوراک و پوشاک آنان [مادران]، به طور شایسته، بر عهده‌ی پدر است. هیچ کس جز به قدر وسعش مکلف نمی‌شود» (بقره: ۲۳۳) بیان می‌کند نفقه‌ی زن به روش نیک و پسندیده تأمین گردد که این امر در زمان‌ها و شهرهای مختلف و با توجه به وضعیت مالی افراد و آداب جامعه متفاوت می‌شود (موسوی سبزواری ۱۴۰۹: ج ۴، ص ۶۱) و آیهی «و آتوهنّ أجورهنّ بالمعروف» (نساء: ۲۵) نیز دلالت دارد پرداخت مهریه به زنان به شیوه‌ی پسندیده انجام پذیرد یعنی مهریه را آن طور که مورد توافق بوده و عقد بر آن اجرا شده بپردازد بدون اینکه ضرر و زیانی بر زن وارد شود (طبرسی ۱۳۷۲: ج ۳، ص ۵). خودداری شوهر از تأمین شایسته‌ی خوراک، پوشاک و مسکن برای همسرش که از نیازهای اساسی هر انسانی به شمار می‌رود و پرداخت نکردن مهریه در صورت مطالبه‌ی جدی، ریشه‌ی بسیاری از اختلاف‌ها و

نزاع‌های خانوادگی است که به گسست میثاق همسری می‌انجامد.

۲-۶) اصل حزم و دوراندیشی

آیه‌ی: «...و عاشروهنَّ بالمعروف فإِنْ کرهتموهنَّ فعسى أُن تکرهوا شیئا و یجعل الله فیه خیراً کثیراً...»، «و با آنها به شایستگی رفتار کنید پس اگر از آنان خوششان نیامد، چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد» (نساء: ۱۹). دلالت دارد در موردی که شوهر از نظر بُعد غریزی به همسر با ایمان و با اخلاق خود، رغبت وافر ندارد، معاشرت به معروف می‌تواند زندگی مشترک آنها را به گونه‌ای سامان داده، آنها را از «خیر کثیر» - مانند بر طرف شدن ناخوشایندی از همسر، تشرف نفس آدمی به کمالات انسانی و فرزند صالح - بهره‌مند و اسباب رضایتمندی و سرور را فراهم کند تا وفاداری به میثاق همسری ادامه یافته، تحت تأثیر دگرگونی‌های زودگذر در احساسات و عواطف نقض نگردد.

۲-۷) اصل رعایت شایسته حقوق متقابل

آیه‌ی شگفت‌انگیز و جامع «...و لهنَّ مثل الذی علیهنَّ بالمعروف...»، «و مانند همان [وظایفی] که بر عهده‌ی زنان است، به طور شایسته، به نفع آنان [بر عهده‌ی مردان] است» (بقره: ۲۲۸). پس از اشاره به متقابل و عادلانه بودن مجموعه‌ی حقوق و وظایف زناشویی همسران، تصریح دارد حقوق همسری به شکل معروف و پسندیده رعایت شود. لازم به ذکر است از دیدگاه برخی

از مفسران، این جمله بیانگر تساوی و برابری حقوق و وظایف آنها نیز می‌باشد مگر مواردی که در شریعت استثناء شده و به زن یا شوهر اختصاص یافته است (فضل الله ۱۴۱۹: ج ۴، ص ۲۸۴؛ موسوی سبزواری ۱۴۰۹: ج ۴، ص ۱۰). تکرار واژه‌ی معروف به معنی کار نیک و شناخته شده و معقول در این گونه آیات هشداری به مردان و زنان است که هرگز از حق خود، سوء استفاده نکنند بلکه با احترام به حقوق متقابل در تحکیم پیوند زناشویی و جلب رضای الهی بکوشند (مکارم ۱۳۴۷: ج ۲، ص ۱۵۷).

اصول متعدد دیگری نیز در آیات مربوط به همسران مطرح شده که اصل جامع معاشرت به معروف را نیز فرا می‌گیرد و در تحقق وفاداری به میثاق همسری نقش اساسی دارند، هر چند واژه‌ی معروف در مورد آنها به کار نرفته، مانند: اصل تأمین نیازهای عاطفی که در آیه‌ی «و من آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا إليها و جعل بینکم مودة و رحمة»، «و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد» (روم: ۲۱) و اصل تأمین نیازهای جنسی که در آیه‌ی «و کیف تأخذونه و قد أفضی بعضکم إلى بعض»، «و چگونه آن [مهر] را می‌ستانید با آنکه از یکدیگر کام گرفته‌اید؟» (نساء: ۲۱) و اصل رعایت پاکدامنی و محدود بودن ارضای غریزه‌ی جنسی به روابط زناشویی بین همسران که در آیات «و الذین هم لفروجهم حافظون ... فمن ابتغی وراء ذلک فأولئک هم العادون» ، «و کسانی که پاکدامن‌اند،... پس هر که فراتر از این

جوید، آنان از حد درگذرند گانند» (مؤمنون: ۵ و ۷) بیان شده است.

معاشرت به معروف اقتضاء دارد تأمین نیازهای عاطفی و جنسی همسر نیز به شیوهی خردمندانه و مطابق موازین شرع باشد، چرا که تفریط و کوتاهی در ارضای اینگونه نیازهای اساسی و مشروع در محیط خانواده زمینه‌ی انحرافات اخلاقی و ارتباط‌های نامشروع و گسست میثاق همسری را فراهم می‌کند.

بنابر آنچه گذشت روشن شد آیات معاشرت به معروف در روابط همسری درصدد تأسیس یک اصل جامع فقهی، حقوقی و اخلاقی است که عملکرد و تعامل زوجین در زمینه‌های مختلف را فرا می‌گیرد و موجب وفاداری به میثاق همسری و استواری کانون خانواده می‌شود.

۵) نتایج و پیشنهادهای راهبردی

در کاربردهای قرآنی، از بین همه‌ی عقدها و پیمان‌های فراوان و متنوع بشری که در صحنه‌های گوناگون بین افراد حقیقی و حقوقی و ملت‌ها و دولت‌ها منعقد می‌شود، عنوان میثاق غلیظ فقط بر پیمان ازدواج اطلاق شده که بیانگر آن است که میثاق همسری از استوارترین و ارزشمندترین پیمان‌های بشری است. از آنجا که فلسفه‌ی اصلی میثاق و تأکید پیمان افزایش میزان وفاداری به آن و ممانعت از پیمان‌شکنی است، کاربرد عنوان میثاق غلیظ در ازدواج به ضرورت فوق‌العاده تعهد و وفاداری به پیمان همسری و التزام همه جانبه به لوازم آن اشاره دارد تا اهداف و آرمان‌های این پیمان مقدس

محقق شود.

۱. با توجه به اینکه واژه‌ی میثاق در قرآن کریم و فرهنگ اسلامی بار مفهومی تأثیرگذار و تعهدآفرینی دارد پیشنهاد می‌شود کاربرد این واژه در مورد پیمان ازدواج در متون آموزشی، تولیدات فرهنگی، رسانه‌های جمعی و محاورات عمومی عنایت شود تا در فرهنگ عمومی کشور جایگاه شایسته‌ی خود را بیابد.

۲. وفاداری به میثاق همسری از مهمترین وظایف و مسئولیت‌های طرفینی زوجین است که افزون بر جنبه‌ی اخلاقی و ارشادی در بسیاری از موارد از حیثیت حقوقی و جزایی نیز برخوردار می‌گردد، از این رو، پیشنهاد می‌شود در قوانین مدنی وفاداری به میثاق ازدواج در ضمن وظایف همسران تصریح شده و به وضوح آن اکتفاء نشود.

۳. برای داشتن خانواده‌ی سالم و سعادت‌مند که زیربنای جامعه‌ی سالم و صالح است، تحقق وفاداری به میثاق همسری و پای‌بندی به لوازم و آثار عقلی، شرعی و عقلایی آن یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. از این رو، در اصل ۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأکید شده همه‌ی قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط به خانواده در جهت «پاسداری از قداست خانواده و استواری روابط خانوادگی» باشد. با توجه به آیات متعددی که در این پژوهش بررسی شد، به نظر می‌رسد سیاست راهبردی و کلان قرآن کریم برای دستیابی به اهداف این اصل مهم- افزون بر تشریع مقرراتی حکیمانه،

هماهنگ با فطرت و سازگار با تحول و پیشرفت جوامع بشری- عبارت است از:

الف. ترویج و تعمیق ایمان و باورهای اصیل توحیدی که موجب شکوفایی فضایل اخلاقی و التزام عملی به تعهدات حقوقی و اخلاقی خانواده می شود و به انسجام فکری، اتحاد روحی، و همگرایی همسران می انجامد و استواری و پایداری میثاق همسری و وفاداری به آن را محقق می سازد.

ب. حاکمیت معاشرت به معروف در همه ی ابعاد و شئون نظام خانواده که موجب می شود عملکرد و روابط متقابل همسران در ابعاد مختلف زندگی مشترک به شیوه ی خدایسندانه و خردمندانه و بر اساس فضائل نیک اخلاقی تنظیم شود که اگر چنین مهمی تحقق یابد، نه تنها غالب ریشه های نقض پیمان ازدواج چون دلسردی و بی رغبتی، اختلاف و نزاع، دورویی و بی عفتی از فضای خانواده رخت برمی بندد بلکه عوامل استحکام روزافزون پیوند زناشویی چون محبت و مودت، انس و الفت، ایثار و گذشت، از رشد و قوت بیشتر برخوردار می شود و وفاداری به میثاق همسری ارتقاء می یابد. بنابراین ضرورت دارد تعمیق ایمان و باورهای اسلامی و ترویج معاشرت به معروف به عنوان دو مؤلفه ی بنیادین و تأثیرگذار در وفاداری در رأس سیاست های نظام اسلامی و مورد اهتمام جدی برنامه ریزان کشور باشد، هر چند مقصود از این سخن نادیده انگاشتن نقش اساسی همسران در التزام به وفاداری نیست.

۴. وفاداری و تعهد به میثاق همسری فقط یک توصیه ی ساده ی اخلاقی

نیست بلکه برآیندی از کنش‌های مختلف و متقابل همسران است که متأثر از باورها، گرایش‌ها، منش‌ها و رفتارهای آنها و تربیت خانوادگی و وضعیت فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ای است که همسران در آن زندگی می‌کنند. از این رو، از تأثیرگذاری عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور بر وضعیت خانواده و وفاداری همسران نباید غفلت ورزید.

منابع

- «قرآن کریم
- «ابن منظور، محمدبن مكرم ۱۴۱۴. لسان العرب، بيروت، دار صادر.
- «راغب اصفهانی، حسین بن محمد ۱۴۰۴. المفردات فی غریب القرآن، تهران، کتاب.
- «زمخشری، محمود، ۱۴۰۷. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بيروت، دار الکتب العربی.
- «جوادی آملی، عبدالله ۱۳۸۷. تسنیم، قم، اسراء.
- «شیر، سید عبدالله ۱۴۱۲. تفسیر القرآن الکریم، بيروت، دارالبلاغة للطباعة و النشر.
- «شوکانی، محمدبن علی ۱۴۱۴. فتح القدير، دمشق، دار ابن کثیر.
- «صادقی تهرانی، محمد ۱۳۶۵. الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، فرهنگ اسلامی.
- «صدوق، محمدبن علی ۱۳۷۸. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، تهران، جهان.
- «طباطبایی، سید محمد حسین ۱۴۱۷. المیزان فی تفسیر القرآن، قم، اسلامی.

معناشناسی (میثاق غلیظ) در مورد پیمان همسری

- طبرسی، فضل بن حسن ۱۳۷۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر ۱۴۱۲. جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه.
- طریحی، فخرالدین ۱۳۷۵. مجمع البحرین، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن. التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه ۱۳۷۸. مبانی حسن معاشرت در نظام حقوقی خانواده از منظر قرآن کریم، مجله ندای صادق، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام
- فاضل مقداد جمال‌الدین ۱۴۱۹. کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب.
- فراهیدی، خلیل بن احمد ۱۴۱۰. کتاب العین، قم، انتشارات هجرت
- فضل‌الله، سید محمد حسین ۱۴۱۹. تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر
- کلینی، محمد بن یعقوب ۱۳۶۵. الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- مدرسی، محمد تقی ۱۴۱۹. من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین علیه السلام.
- مصباح یزدی، محمد تقی ۱۳۸۹. فلسفه اخلاق، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- مصطفوی، حسن ۱۳۶۰. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- _____ ۱۳۸۰. تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب.

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

- ◀ مکارم شیرازی ناصر ۱۳۷۴. تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- ◀ مغنیه، محمد جواد ۱۴۲۴. تفسیر الکاشف، تهران، دار الکتب الإسلامية
- ◀ موسوی سبزواری، سید عبد الاعلی ۱۴۰۹. مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، بیروت، اهل بیت (علیهم السلام).